

گزارش پیش نشست های علمی گنگره بین المللی علامه طباطبایی

صدمین پیش نشست علمی گنگره علامه طباطبایی

موضوع: جایگاه روایات در روش تفسیری علامه طباطبایی

ارائه دهنده: سرکار خانم دکتر علیزاده (مدرس حوزه و دانشگاه)

موضوع: مبانی انسان شناختی از منظر علامه طباطبایی

ارائه دهنده: سرکار خانم الهام یکتا (دانش آموخته و پژوهشگر سطح ۳)

صفحه ۲



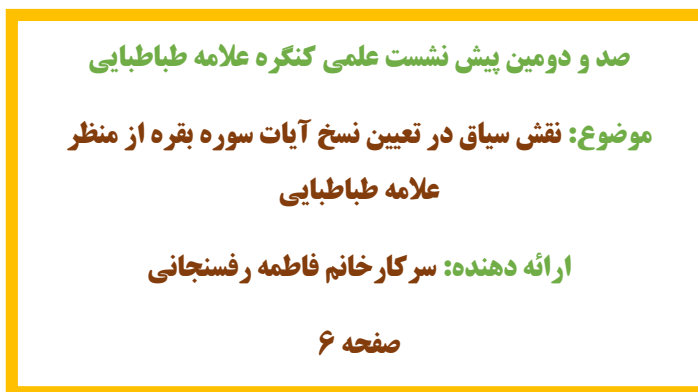
صد و دومین پیش نشست علمی گنگره علامه طباطبایی

موضوع: نقش سیاق در تعیین نسخ آیات سوره بقره از منظر

علامه طباطبایی

ارائه دهنده: سرکار خانم فاطمه رفسنجانی

صفحه ۶



صد و دومین پیش نشست علمی گنگره علامه طباطبایی

موضوع: تبیین مراتب قرآنی شعور کائنات در دیدگاه

علامه طباطبایی

ارائه دهنده: سرکار خانم نجم الدینی (مدرس حوزه و دانشگاه)

سرکار خانم نهایت بین

صفحه ۹





صدمین
پیش نشست علمی
موضوع
جایگاه روایات در روش تفسیری
علامه طباطبایی
سرکار خاتم دکتر مریم علیزاده (مدرس حوزه و دانشگاه)
مبانی انسان شناختی از منظر
علامه طباطبایی
سرکار خاتم الهام یکتا (دانش آموخته و پژوهشگر سطح ۳)
دیر علمی
سرکار خاتم طحیبه خالقی (معاون پژوهش و توسعه آموزش عالی زمینه "توح")
زمان
دوشنبه - ۸ آبان ۱۴۰۲ | ساعت ۱۱:۴۵
مکان
کرج، چهار راه نصاح، خیابان شهید نجاری
سالن اجتماعات مؤسسه آموزش عالی زمینه

معاونت پژوهش مدرسه علمیه تخصصی زینبیه با همکاری کنگره بین المللی صدمین پیش نشست با عنوان «جایگاه روایات در روش تفسیری علامه طباطبایی (ره)» با حضور سرکار خانم دکتر مریم علیزاده و عنوان: مبانی انسان شناختی از منظر علامه با حضور سرکار خانم الهام یکتا مورخ ۱۴۰۲/۸/۸ خبر داد دبیر علمی خانم حاتمی در ابتدای جلسه گفت: علامه طباطبایی شخصیتی تأثیرگذار بر مباحث اسلامی است. در آثاری که در زمان حیات وی و بعدها پس از ارتحال او، در داخل و خارج، منتشر شده و می شود، همگی بر اهمیت و جایگاه اندیشه و شخصیت وی در ایران معاصر اتفاق نظر دارند. چه در مباحث اندیشه ای و چه در مباحث مربوط به تحولات ایران و انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی به مثابه یک نظریه پرداز برجسته که انقلاب فرهنگی در حوزه علمیه قم و به تدریج در مراکز علمی و فرهنگی ایران را پی افکند و در ارتقاء و گسترش مباحث نظری اسلامی شیعی مؤثر بود، تلقی می گردد.

دکتر مریم علیزاده در ابتدای بحث خود گفت: میزان از تفسیرهای ترتیبی است و روش تفسیری آن، تفسیر قرآن به قرآن، یعنی تفسیر آیات به کمک دیگر آیات است. انصاف علمی و دقت و عمق این تفسیر باعث شده است که این تفسیر مورد توجه عالمان شیعه و سنی قرار گیرد و به یکی از معتبرترین منابع فهم و تحقیق قرآن تبدیل شود. در ظرف مدت کوتاهی، ده ها کتاب و صدها مقاله و پایان نامه در مورد آن نوشته شده است. تفسیر میزان یک تفسیر جامع و کامل است که در حال حاضر هر کس بخواهد پژوهشی انجام دهد، برای تکمیل آن ناچار است به میزان مراجعه کند. روش تفسیر قرآن به قرآن به تمام قرائن متصل و منفصل آیات و از جمله به روایاتی که مفید اطلاعات یا مبین اجمالات آیات است، توجه می شود، ولی تفسیر آیات و اعتبارات آن منوط به روایات نیست و معانی که با توجه به قرائن و بر اساس قواعد ادبی و اصول عقلی از آیات فهمیده می شود بدون توقف بر تبیین یا تأیید روایات، معتبر و قابل اعتماد است. علامه در تفسیر میزان قائل به استقلال تفسیر آیات و نقش کمک کننده روایات برای فهم بهتر آیات هستند. جامع ترین و مفصل ترین تفاسیر شیعی قرآن به زبان عربی است که در قرن چهاردهم قمری به قلم سید محمد حسین طباطبائی نگاشته شده است.



استاد حوزه و دانشگاه در ادامه اذعان کرد: جایگاه روایات در تفسیر المیزان به دو صورت می باشد: ایجابی و سلبی. مراد از رویکردهای ایجابی ضوابطی هستند که علامه طباطبائی (ره) بر اساس آنها روایات را در تفسیر المیزان آورده است و آن ها را گزارش کرده است. و مقصود از رویکردهای سلبی ضوابطی هستند که علامه طباطبائی بر پایه آنها از نقل روایات در تفسیر آیات قرآن کریم روی گردانده است. رویکرد ایجابی انواعی دارد که عبارتند از:

۱- تأیید نتایج حاصله از تفسیر قرآن با روایات

۲- تعیین مصادیق آیات در روایات

۳- توضیح مجملات قرآنی با روایات

۴- نقد روایات تفسیری و پاسداشت ارزش های دینی

۵- استفاده از شأن نزول آیات و تکیه کامل بر روایات

۶- تبیین تأویلی و خروج از ظاهر الفاظ و عبارات

۷- شناسایی و رفع آسیب های موجود در روایات

وی در ادامه مباحث خود بیان کرد: رویکرد سلبی از منظر علامه طباطبائی انواعی دارد که عبارت از :

۱- عدم گزارش روایات مخالف با سیاق

۲- اجتناب از نقل روایات غیر مرتبط با آیه

۳- اجتناب از نقل روایات غیر مؤثر در فهم آیه

۴- اجتناب از نقل روایات مخالف با دیدگاه تفسیری

۵- اجتناب از نقل روایات مشابه

۶- قلت گزارش روایات فقهی

۷- اجتناب از گزارش روایات اسباب نزول دال بر جری و تطبیق

۸- عدم ذکر روایات مخالف با قرآن

۹- پرهیز از گزارش گستره روایات قصص قرآن

۱۰- عدم نقل روایت به دلیل مخالفت با عقل

۱۱- عدم نقل روایت به دلیل جعل در آن روایت

دبیر علمینشست خانم حاتمی در پایان مباحث استاد به جمع بندی پرداخت و گفت: علامه طباطبایی (ره) با وجود تفسیر قرآن به قرآن نسبت به روایات بی تفاوت نبودند و در تفسیرشان هر جا مبانی شان اجازه می داده است از روایات استفاده کرده اند تا به فهم صحیح آیات قرآن دست پیدا کند.

نکته متمایز علامه طباطبایی (ره) این است که روایات را به صورت اجتهادی بررسی کرده اند و در جایی که با آیات قرآن یا سیاق، در تضاد باشد یا حداقل هماهنگی را نداشته باشد، از بیان روایت اعراض کرده است.



در ادامه سرکارخانم یکتا دانش آموخته و پژوهشگر سطح سه مدرسه علمیه تخصصی زینبیه به ایراد مطالب خود تحت عنوان مبانی انسان شناختی از منظر علامه طباطبایی پرداخت و در ابتدای مباحث خود گفت: انسان مهم ترین و در عین حال تاثیرگذارترین مخلوق خداوند در عالم هستی می باشد، و مباحث انسان شناسی از مباحث مهم و با اهمیت در میان اندیشمندان و صاحب نظران است زیرا مسأله انسان شناسی در میان موضوعات اصلی تفکرات دینی، معرفتی و اندیشه های علمی از مهمترین مباحث می باشد.



وی در ادامه اذعان کرد: یکی از مسائل بنیادی در انسان شناسی مبحث فطرت می باشد. علامه بر این باور است که فطرت با خلق متفاوت است چرا که خلق به معنای ایجاد صورت از ماده به طریق جمع کردن اجزا است اما فطرت به معنای ایجاد از عدم محض است که در اصطلاح فلسفی ابداع گفته می شود. . علامه طباطبایی (ره) مهم ترین کارکرد فطرت را شناخت و ایمان به خدا می داند که با آب و گل آدمی سرشته شده؛ در ادامه به بیان موارد مهم در مبانی انسان شناختی پرداخت:

۱. اصالت فرد یا جامعه : از موارد مهم در حیطه مبانی انسان شناسی مبحث اصالت فرد یا جامعه است که دیدگاه های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. به اعتقاد علامه طباطبایی مجموع نظام آفرینش یک سلسله اجزای ابتدایی و اولیه دارد که دارای خواص و آثار مخصوص به خود هستند. دستگاه آفرینش ترکیباتی از این اجزا می سازد که ویژگی های اولیه را تغییر می دهد. منافع و ویژگی های نو و جدیدی به وجود می آورد.

۲. اختیار و آزادی: در طول تاریخ، دانشمندان زیادی به این موضوع پرداخته اند و نظرات و دیدگاه های متفاوتی در این باره وجود دارد. برخی قائل به جبر، برخی دیگر اختیار بی حد و حصر و گروهی نیز قائل به امر بین الامرین هستند. علامه طباطبایی به ، انسان را موجودی مختار می داند که اختیار خود را به طور فطری درک می کند و هیچگاه نمی تواند آن را از خود جدا سازد و فاقد آن شود، مگر زمانی که دیگر انسان نباشد. انسان در اتصاف به اصل اختیار، ناچار است اما در انجام یا ترک افعال آزاد و مختار است. علامه (ره) معتقد است که اختیار انسان به طور مطلق نیست، چرا که از جانب مبدأ فیض الهی هر لحظه هستی و وجود انسان به او عطا می شود.

۳. خودآگاهی و معرفت نفس: از روایات و آیات برمی آید که نفس و جهان درون انسان عالمی بس بزرگ است که انسان با شناخت آن به نهایت معرفت نائل می گردد. علامه طباطبایی (ره) معتقد است که شناخت و معرفت یافتن به نفس که بهترین و نزدیک ترین راه به سوی سعادت و کمال است از راه معرفت به خداوند میسر است. زیرا انسان معلول و عین ربط و وابسته به علت هستی بخش است. شناخت موجود مستقل مقدم بر شناخت موجود غیرمستقل است و اساساً بدون شناخت موجود مستقل، شناخت غیر مستقل امکان پذیر نیست.

۴. ماهیت ایمان: ایمان از مهم‌ترین و وحیانی‌ترین مسائل زندگی بشریست که با همه وجود انسان ارتباط دارد. کل هستی و زندگی او را، تحت الشعاع قرار می‌دهد. علامه حقیقت و ماهیت ایمان را تصدیق و باور قلبی می‌داند و نشانه‌ی تحقق آن را التزام عملی می‌داند. در واقع تا زمانی که باور قلبی در نفس انسان رخ ندهد آثار ایمان به جوارح و رفتار وی ظاهر نخواهد شد. ایمان دارای شدت و ضعف است. ایمان در باور علامه با اسلام کامل می‌شود. از مسائلی که در تبیین ایمان و ماهیت نقش اساسی دارد؛ بررسی رابطه‌ی آن با عقل است. علامه معتقد است که هیچگاه میان ایمان دینی و عقل، تناقض برقرار نمی‌شود چنانکه قرآن کریم بیش از ۳۰۰ بار انسان را به تعقل دعوت کرده است. علامه عقل را محبتی قابل اعتماد می‌داند که می‌توان بر آن تکیه کرد و همچنین محک پذیرش تعالیم دینی هم می‌باشد به طوری که اگر میان حکم دین و حکم عقل تناقضی باشد، حکم عقل مقدم است چرا که حجیت براهین عقلی، ذاتی است و ظواهر دینی برای آنکه حجت باشند بر عقل و براهین عقلی متکی هستند.

دبیر علمی نشست علمی خانم حاتمی به جمع بندی مباحث پرداخت و گفت: اندیشمندان و صاحب نظران بسیاری به بررسی ابعاد وجودی انسان پرداخته اند و علامه طباطبایی (ره) در این زمینه مباحث جامع و کاملی ارائه نموده اند. از جمله مبانی انسان شناسی: وجود فطرت انسان؛ وجود سرشت و فطرت مشترک، اصالت فرد و جامعه، خودآگاهی و خداشناسی و در آخر ایمان است.

صد و دومین
پیش نشست علمی
موضوع: نقش سباق در تعیین نسخ آیات
سوره بقره از منظر علامه طباطبایی
ارائه دهنده: سرکار خانم فاطمه رفسنجانی
دبیر علمی: سرکار خانم حاتمی
(معاون پژوهش مدرسه علمیه تخصصی زینبیه - کرج)
زمان: سه شنبه - ۹ آبان ۱۴۰۲ | ساعت ۱۵ تا ۱۶
لینک حضور مجازی: <https://gharar.ir/r/50e328bc>

علامه طباطبایی
۱۰۲
پیش نشست علمی
مدرسه علمیه تخصصی زینبیه - کرج
با همکاری دبیرخانه کنگره بزرگ می‌کند:
ISC
کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی

معاونت پژوهش مدرسه علمیه تخصصی زینبیه از برگزاری صد و دومین پیش نشست علمی در راستای کنگره بین المللی علامه طباطبایی مورخ ۱۴۰۲/۸/۹، با موضوع «نقش سباق در تعیین نسخ آیات سوره بقره از منظر علامه طباطبایی» با حضور سرکار خانم فاطمه رفسنجانی خبر داد. دبیر علمی سرکار خانم حاتمی در ابتدای نشست علمی گفت: سید محمدحسین طباطبایی مشهور به علامه طباطبایی مفسر، فیلسوف، اصولی، فقیه و عارف است. وی از عالمان تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در قرن ۱۴ش بود. در آثاری که در زمان حیات وی و بعدها پس از ارتحال او، در داخل و خارج، منتشر شده و می‌شود، همگی بر اهمیت و جایگاه اندیشه و شخصیت وی در ایران معاصر اتفاق نظر دارند. مدرسه علمیه تخصصی زینبیه با همکاری کنگره بین المللی علامه طباطبایی (ره) اقدام به برگزاری صد و دومین نشست علمی کرده است.

خانم رفسنجانی در ابتدای بحث گفت: در جهت تبیین مفاد کلام الهی در امر تفسیر، استناد به قرائن کلام برای فهم مقصود خداوند، یکی از مبانی مهم تفسیر قرآن محسوب می شود. در نظر گرفتن شواهد و قرائن کلام در راستای رسیدن به مقصود سخن گوینده و فهم صحیح از کلام او یکی از روش ها و اصولی است که هر شنونده و مخاطبی از آن بهره می جوید. از آن جا که آیات قرآن کریم نیز کلام و سخن خداوند است از این روش و اصل مستثنی نیست، بر هر مفسری واجب است در راستای رسیدن به مفاد آیات و مدلول کلام الهی و تفسیری معتبر و بی نقص از این قرائن غافل نبوده و نسبت به آن ها اهتمام جدی داشته باشد. سیاق سخن به عنوان یک قرینه لفظی متصل در کشف معنای صحیح آیات و نقد دیدگاه های مفسران کاربرد وسیعی دارد. علامه طباطبایی در لسان تفسیری خود با تکیه بر قرینه ی سیاق در کنار ارائه ی تفسیر صحیح، در صدد نقد و پاسخ به دیدگاه های نادرست هستند و همچنین به تعیین نسخ در آیات پرداخته اند.

پژوهشگر سطح سه مدرسه علمیه تخصصی زینبیه در ادامه به تعریف نسخ و سیاق پرداخت و گفت: واژه نسخ در کتب لغت به معنای زایل کردن چیزی به وسیله ی چیز و منظور از نسخ آیات، یعنی آیه ای نازل شود و به آن عمل شود سپس آیه ای دیگر بیاید و به آن دومی عمل شود و عمل به اولی ترک شود. نسخ در آیات قرآن از منظر علامه طباطبایی به معنی این است که اثر یک آیه که میتواند تکلیف شرعی باشد یا هرچیز دیگر، از بین برود. یعنی یک آیه در عین اینکه اصلش حفظ می شود علامت بودن و آیت بودنش بواسطه ی آیه ای دیگر از بین می رود و در واقع عمر حکم در آیه اول کوتاه است. واژه سیاق از ریشه سوق است که در لغت معنای متعددی برایش ذکر شده است. از جمله کشاندن، اسلوب و روش و طریقه معنا شده است. علامه طباطبایی از سیاق در تفسیر خود بسیار استفاده کرده است تا جایی که در صورت مخالفت ظاهر روایتی با سیاق آیه در ظاهر روایت تصرف کرده و سیاق را مقدم دانسته اند.

وی در ادامه اذعان کرد: معیار قرینه بودن سیاق و تحقق آن در آیه برای فهم مقصود کلام الهی، وابسته به دو شرط است که در تفسیر المیزان نیز علامه طباطبایی با تکیه بر این دو شرط وجود یا عدم سیاق را در آیات ثابت کرده اند و بعد از اثبات تحقق سیاق بر آن تکیه کرده و بسیاری از ادعاهای مفسران را در هر زمینه ای از جمله نسخ را رد کرده اند، آن دو شرط ارتباط صدوری و ارتباط موضوعی آیات مورد نظر است. یعنی اینکه مفسر ابتدا اقتران و تابع جملات را در هنگام صدورشان اثبات کرده و بعد به دنبال این می باشد که این آیات در کنار هم، در راستای تفهیم یک موضوع واحد هستند تا بتوان با توجه به این مطالب تحقق سیاق را ثابت کند؟ ما چنین استدلال را به سیاق در تفسیر علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیات شاهد هستیم.



وی در خاتمه مباحث خود به چند نکته در باب نسخ آیات از منظر علامه طباطبائی اشاره کرد و گفت:

*نسخ فقط در موضوعات احکام شرعی محدود نمی شود و شامل امور تکوینی نیز است.

* اثبات تحقق نسخ وابسته به دو طرف آن یعنی ناسخ و منسوخ است و با وجود یک طرف آن نسخ محقق نمی شود.

* هر آنچه که از جهت مصلحت و کمال است و درمنسوخ وجود دارد، ناسخ نیز دارا است.

* نسبت میان ناسخ و منسوخ غیر از نسبت میان خاص و عام و مطلق و تقیید است با این توضیح که تنافی بین ناسخ و منسوخ بعد از انعقاد ظهور آن ها است و برطرف کننده آن تنافی آن مصلحتی است که در ناسخ است و جایگزین مصلحت منسوخ می شود ولی در عام و مطلق قبل از فحص از خاص و مقید ظهوری منعقد نمی شود. به طور نمونه یک آیه ۱۱۵ سوره بقره که احاطه همه جانبه خداوند بر عالم هست را توضیح دادند و بیان کردند روایات مختلفی وجود دارد در مورد عدم تشخیص قبله مسلمین که با آیه ۱۵۰ سوره بقره این حکم نسخ شد.

در خاتمه جلسه دبیر علمی به جمع بندی مباحث خانم رفسنجانی پرداخت و گفت: از مطالعه کلام علامه طباطبائی در ذیل آیات سوره بقره در جهت تعیین نسخ با تکیه بر سیاق، اغلب ادعای نسخ که متوجه آیات است، به علت بی توجهی مفسر از قرائن کلام علی الخصوص سیاق است. برای پاسخ به این ادعاهای نادرست نسخ که در آیات مطرح شده است، میتوان از مفهوم نسخ از منظر مفسران و همچنین قرائن دیگر از قبیل ویژگی های گوینده سخن یا مقام ولحن سخن و استفاده کرد. علامه طباطبائی با استفاده از قرینه سیاق در اکثر موارد ادعای نسخ متوجه به آیه را رد کرده و آن را با توجیهاتی از قبیل اینکه، موضوع و مفاد دو طرف ادعا شده واحد نیستند و یا اینکه یکی از آن ها در مقام تشریح و تفسیر آیه مقابل است و یا اینکه ادعای نسخ با توجه به مفهوم آن از منظر علامه محل اجرایی در آیه مورد نظر نداشته و آیه از مصداق تخصیص و تقیید است، پاسخ داده اند. البته علامه طباطبائی در این سوره با تکیه بر سیاق در یک مورد وجود نسخ را ثابت کرده و با استفاده از همان سیاق پاسخ منکرین نسخ در آن آیه را نیز داده است.



معاونت پژوهش مدرسه علمیه تخصصی زینبیه با همکاری کنگره بین المللی علامه طباطبائی از برگزاری صدو دومین پیش نشست علمی با عنوان « تبیین مراتب قرآنی شعور کائنات در هستی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) » مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۶ بصورت مجازی خبر داد. خانم نجم الدینی ارائه دهنده اول در ابتدای بحث گفت : جهان هستی مجموعه‌ای از موجودات و مخلوقاتی است که از آن‌ها تعبیر به کائنات می‌شود. شعور معنای عامی دارد که شامل اموری مثل ادراک، علم، معرفت، احساس، فهم و امثال آن می‌گردد که مراتب آن در مخلوقات با یکدیگر متفاوت است. درک این مطلب علاوه بر تغییر نگرش انسان‌ها نسبت به هستی، او را به تدبیر و تفکر در قرآن کریم هدایت می‌کند؛ زیرا در آیات قرآنی به خوبی می‌توان دریافت که علاوه بر انسان‌ها، حیوانات، زمین، آسمان و نیز سایر پدیده‌های جمادی در هستی نیز دارای مرتبه‌ای از شعور و ادراک هستند. در ادامه به تعریف شعور پرداخت و گفت :

از لحاظ لغوی واژه «شعور» از ماده «شعر» به معنای مو است که دو اصل برای آن وجود دارد؛ یکی دلالت بر چیزی می‌کند که ثابت و پابرجا است و دیگری بر علم، دانش، نشانه و علامت دلالت دارد. و از لحاظ اصطلاحی علامه طباطبایی بیان می‌کند: شعور را ابتدای علم به چیزی می‌داند، ابتدای ادراک دقیق معنا می‌کند. شعور در محسوسات شعور علمی است که بواسطه آن به زاویای دقیق هر چیزی پی می‌بریم. «کائن» یا «کائنات» در اصطلاح موجوداتی هستند که با سلسله ای از فعل و انفعالات مادی در جهان حادث می‌گردند. کائنات یعنی حصول صورت در ماده و به معنی شیء موجود است.

استاد حوزه در ادامه به اقسام کائنات پرداخت و گفت: موجودات در جهان هستی دو گونه هستند. دسته اول موجودی است که به خاطر کمال ذاتی اش، بر همه ی موجودات فائق و جامع کلیه ی خیرات و برکات است و آن وجود واجب الوجود همان ذات مقدس خداوند می باشد که منشأ تمام هستی و خالق تمام کائنات است که شعور هر جسم و هر موجودی از وجود اوست. دسته دوم مخلوقات هستند که نیاز کمال خود را از واجب الوجود و شعور مندی خودشان را نیز از واجب الوجود دریافت میکنند با توجه به ظرفیت وجودی خودشان مراتب کمال را دریافت می کند. مراتب کمال در موجودات متفاوت است حتی در بین انسان ها مثلاً پیامبران و معصومان که مراتب بالاتری از کمال را دارا می باشد نسبت به عموم مردم نیز تفاوت دارند. در مرتبه بعدی از موجودات هستی حیوانات قرار دارند که در بین آنها نیز مراتب شعور مندی آنها از جهت درک، واکنش های طبیعی و محیطی با یکدیگر متفاوت است.

وی تاکید کرد: هر موجودی از موجودات، به اندازه خود دارای حیات، علم و قدرت است و دلایل عقلی و نقلی برای اثبات شعورمندی کائنات در هستی وجود دارد. از جمله دلایل نقلی این است که آیات و روایاتی وجود دارد که بر شعورمندی کائنات دلالت دارند. لازم به ذکر است که زبان عالم هستی با زبان قرآن و روایات یکی است و با این زبان است که می‌توان ذی‌شعور بودن موجودات هستی را توجیه و اثبات نمود؛ زیرا همه عالم در مقام عبادت، تسبیح خداوند را به جا می‌آورند. خداوند در سوره طه می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش ویژه او را عطا کرده، سپس هدایت نموده» و از سویی در آیه‌ای دیگر در اثبات شعورمندی همه کائنات به ناطق بودن همه موجودات اشاره می‌نماید. «الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ خدایی که هر موجودی را به سخن آورد». جستجو در منابع روایی بیانگر شعورمندی کائنات و اثبات آن‌ها از منظر اهل بیت (علیه‌السلام) می‌باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ أَنْ تُوسَمَ الْبَهَائِمُ فِي وَجْهِهَا وَأَنْ يُضْرَبَ وَجُوهُهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا؛ امام صادق (علیه‌السلام) از پدرش امام باقر (علیه‌السلام) روایت کرده است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از علامت‌گذاری در صورت حیوانات و زدن به صورت آنان نهی فرموده است؛ زیرا آنان حمد و تسبیح پروردگارشان را می‌گویند». روایت فوق علاوه بر اثبات شعورمندی حیوانات به واسطه حمد و تسبیح خداوند، به حفظ ارزشمندی و تکریم آن‌ها توسط انسان‌ها نیز می‌پردازد. دلیل دیگر بر اثبات شعورمندی کائنات دلیل تجربی است یعنی علاوه بر تصریح قرآن و روایات معصومین (علیه‌السلام)، گسترش دانش بشری در عصر حاضر و تلاش پژوهشگران، وجود علم، ادراک و شعور را در کائنات به ویژه نباتات را اثبات نموده است، تا آنجا که دانشمندان روسی طی تحقیقاتی که انجام داده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که گیاهان نیز دارای دستگاهی شبیه اعصاب حیوانات هستند.

استاد دانشگاه اذعان کرد: آنچه که برای انسان می‌توان بیان کرد این است که شعور و ادراک انسان فطری است که در میان همه انسان‌ها وجود دارد و علامه طباطبایی منبع آن را همان ادراکات فطری مداند که اگرچه یک امر غیر مادی است ولی چون با موجدی مادی همراه شده است دچار شدت و ضعف می‌باشد. شعور از آن جهت که شعور است قابل شدت و ضعف نیست بلکه زمانی که با ماده همراه شود شدت و ضعف می‌گیرد. شعور باطنی هم در واقع شعوری است که در وحی می‌باشد و برای انسان‌ها نیرویی است که خداوند متعال در ارتباط با او قرار می‌گیرد. و شعور باطنی در انسان‌های خاص قرار داده شده است و هیچ انحرافی در آن وجود ندارد. در واقع شعور باطنی از هر خطا و غفلی مصون است ولی شعور فطری انسان دارای شدت و ضعف می‌باشد.

در خاتمه خانم نجم‌الدینی گفت: مراتب شعور حیوانات را چگونه در یابیم؟ ۱- مراتب تسبیح حیوانات نشان دهنده شعور آن‌هاست ۲- مرتبه تسلیم برای امر خداوند ۳- مرتبه تکلم و نطق آن‌ها. سخن گفتن، حروفی است که دارای معنا است در باب صدای حیوانات می‌توان گفت چون حضرت سلیمان می‌فهمید پس نطق به حساب می‌آید. انسان‌ها با

توجه به آیات قرآن می تواند بفهمد که حیوانات دارای شعور و ادراک هستند. یکی از معیارهای حشر موجودات در قیامت، داشتن تکلیف، عقل، شعور و مسئولیت است. این ملاک و شعوری که بیان شد در حیوانات نیز وجود دارد؛ زیرا با نگاهی عمیق در زندگی حیوانات در می یابیم که حیوانات نیز مانند انسان ها دارای آراء و عقاید فردی و اجتماعی هستند و حرکات و سکناتی که در راه بقاء و جلوگیری از نابود شدن از خود نشان می دهند، همه بر مبنای آن عقایدشان است. در اثبات شعورمندی نباتات نیز می توان به آیاتی از قرآن کریم که به سجده گیاهان و درختان و حشر همه آنها اشاره می نماید، استناد نمود. علامه طباطبایی (ره) معتقد است هر یک از موجودات اعم از حیوانات و نباتات به مقدار وسعت وجودی خود بهره ای از شعور و آگاهی دارند و به میزان آن خداوند را تسبیح و سجده می کنند و در نهایت در روز قیامت در پیشگاه الهی محشور می شوند.

در ادامه ارائه دهنده دوم خانم نهایت بین گفت : جمادات یکی دیگر از مخلوقات خداوند هستند که زیر نظر و احاطه علمی او بوده و هر گونه حرکات و تحولاتی که در آنها پیدا می شود، به اذن و موافقت خداوند صورت می گیرد، این مطلب نشان می دهد که جمادات روی صفای طبیعی و طهارت باطنی در مرتبه ی خود با خداوند متعال رابطه ذاتی دارند و هرگز کوچکترین تخلف و عصیانی در مقابل او ندارند در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که بر تسبیح جمادات اشاره می نماید که تبیین آنها علاوه بر اثبات شعورمندی موجودات بی جان، مراتب وجودی آنها در هستی را نیز نمایان می کند. خداوند در سوره الرحمن می فرماید: « و النجم و الشجر یسجدان » یعنی همه گیاهان و درختان برای خداوند سجده می کنند. منظور از سجده کردن خضوع است و این سجده بصورت تکوینی است نه تشریعی . علامه طباطبایی در تحلیل اینگونه آیات می گوید : تسبیح و سجده برای خداوند امری همگانی و فطری است و نشان دهنده این است که همه موجودات دارای مرتبه ای از درک و شعور هستند.

در ادامه به مراتب شعورمندی جمادات در هستی از دیدگاه علامه طباطبایی پرداخت و گفت : جمادات از جمله آسمان ها و زمین و کوه ها و حتی رعد همه تسبیح خداوند را می گویند . دومین مرتبه شعورمندی جمادات مرتبه اطاعت پذیری و تسلیم ان هاست مانند اطاعت پذیری آتش که خاصیت آتش سوزاندگی است و این نشان از این است که آتش دارای آگاهی است و اطاعت پذیری آسمان و زمین و خورشید و ماه می باشد که برای دوستی و عشق به خداوند می باشد.

در آخر به جمع بندی مطالب پرداخت و اذعان کرد : در میان مخلوقات الهی انسان به واسطه حقیقت باطنی اش که در مرتبه تکوین تکامل یافته و نعمت عقل، اراده و اختیاری که در مرحله تشریع به او اعطا شده، دارای مراتب بالایی از شعورمندی در بین کائنات است که او را شایسته مقام خلیفه الهی، عرضه امانت و هدایت الهی می گرداند. در مرتبه بعدی حیوانات قرار دارند که از منظر علامه (ره) تسبیح پرندگان، نطق حیواناتی مانند هدهد و مورچه و حشر حیوانات وحشی مؤیدی از قرآن کریم بر شعورمندی آنها در مرتبه پایین تر از انسان هاست و در اثبات شعورمندی نباتات که در مرتبه

پایین‌تری از حیوانات قرار دارند، علامه (ره) به آیاتی از قرآن کریم که به سجده گیاهان و درختان و حشر همه آنها اشاره می‌نماید، استناد می‌نمایند و بر این نظر می‌باشند که جمادات نیز اگر چه مخلوقاتی بی‌جان تلقی می‌شوند اما به لحاظ درک و شعورمندی در مراتب پایین‌تری از نباتات قرار دارند که با استناد به آیاتی که به تسبیح، اطاعت‌پذیری و نطق آنها دلالت دارند، اثبات می‌شود.

حاصل آنکه از دیدگاه علامه (ره) تسبیح‌گویی حیوانات و جماداتی مانند آسمان، زمین، رعد و کوه‌ها علاوه بر اثبات شعورمندی آنها در هستی به معرفت و اطاعت‌پذیری محض آنها از خالق نیز دلالت می‌نماید و همین اطاعت‌پذیری سبب می‌گردد که در قیامت زمین، آسمان، اعضای بدن، کتاب و جهنم ناطق شوند و با اذن خداوند به اعمالی که انسان‌ها انجام داده، شهادت دهند.